

گزارش همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

به کارگران و فعالان کارگری ایران

دوستان گرامی

همه در جریان اعلام موجودیت "کنفدراسیون کار- خارج از کشور" هستید که با عضویت تعدادی به اندازه انگشتان دست یکشنبه مثل قارچ از زیر زمین سربرآورده است. چرائی و ساختار بدون فدراسیون ها و ترکیب و گزین نفرات، نحوه ی ایجاد چنین تشکلی از بالای سر فعالان جنبش کارگری در داخل و خارج ایران و تکیه گاه های مالی آن و بسیاری از حاشیه های دیگر این موضوع، بلافاصله با تردیدها، تحقیقات و نقدهای گسترده فعالان کارگری مواجه شده است (و در نتیجه تا همین جا چهار نفرشان کنار کشیده اند) و ما قصد نداریم آن ها را در این جا تکرار کنیم. اما مؤسسان این باصطلاح "کنفدراسیون کار" که با چراغ های خاموش جلو آمده اند، وانمود کرده اند که نویر تشکلی برای حمایت از جنبش کارگری ایران را آورده اند و اگر تشکل های حمایتی را که چند ده سال است در خارج از ایران کار می کنند و شناخته شده اند دور زده اند، دلیل اش فقدان چنین تشکل هائی بوده است! مدافعان این باصطلاح "کنفدراسیون" که شایعه ارتباط های ناروشن شان با برخی در داخل و خارج، ساخت و پاخت چی با دولت ها و محافل دست راستی در خارج حتی به ایران هم رسید است، همه جا خطاب به منتقدان "کنفدراسیون" تعرض و طلبکاری می کنند که : شما تا به حال کجا بودید و چه کرده اید؟ چرا حالا که یکی پیدا شده و می خواهد برای کارگران ایران کاری بکند، می خواهید مانع اش شوید؟! همین برخورد، خود به قدر کافی معرف بی اخلاقی و عدم سلامت و صداقت این جماعت است.

همه، و از جمله همین مؤسسان باصطلاح "کنفدراسیون کار" و همدستان حزبی شان به خوبی می دانند که ده ها سال است در خارج از ایران تشکل های زیادی هستند و کارهائی در حد توان خود در جهت دفاع از کارگران ایران کرده و می کنند. تا جائی که به ما برمی گردد، ارزش و جایگاهی برای این جماعت مؤسسان قائل نیستیم که خود را پاسخگوی آن ها بدانیم، اما همین بهانه ای است که ما، «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه»، در آستانه ی بیستمین سالگرد فعالیت این نهاد، گزارشی کوتاه از کارنامه خود به کارگران و جامعه کارگری ایران عرضه کنیم.

بیست سال پیش، با تلاش گروهی از کنشگران سیاسی مقیم پاریس و به دنبال بحث و گفتگوهای فراوان، «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه» با هدف پشتیبانی از جنبش کارگری ایران تأسیس شد. قید صفت "سوسیالیستی" برای این همبستگی، بخاطر این بود که ما از همه ی سطوح و اشکال مبارزه طبقاتی کارگران (و نه فقط صنفی و سندیکائی) دفاع می کنیم.

این تشکیلات در تابستان 2005 به عنوان "انجمن قانون 1901 فرانسه" رسماً به ثبت رسید و خلاصه ای از هدف های آن در روزنامه رسمی کشور فرانسه منتشر شد.

خط مشی تعیین شده برای این تشکل، تمرکز و اولویت کار در میان نیروهای فرانسوی پیشرو حامی طبقه کارگر بوده و بر همین منوال نیز عمل شده است.

در سند "کارپایه" ما آمده است: «... طرح مسائل مربوط به کارگران و زحمتکشان ایران، در خارج، حمایت از مبارزات آنان و به ویژه شناساندن جنبش اعتراضی موجود به افکار عمومی، محافل و اتحادیه های کارگری خارجی، مجامع بین المللی کارگری، جلب حمایت فعال آنان، وظیفه مبرمی است که در برابر همه ی طرفداران جنبش طبقه کارگر، مزدبگیران و سوسیالیسم قرار دارد».

در نوزده سال گذشته، در مسیر انجام وظیفه های تعیین شده، با تمام نیرو و نیز درچارچوب امکانات مان قدم برداشته ایم.

در این راه، کوشش کرده ایم که اخبار جاری، انتشارات اتحادیه ها، سندیکاها و تشکلات حرفه ای کارگران و نیز معلمان، پرستاران، کنشگران جنبش زنان و ... در ایران را به فرانسه ترجمه و در اختیار سندیکاها و کنشگران مترقی سیاسی-اجتماعی فرانسه قرار دهیم. از همان آغاز، سایتی به زبان فرانسه با نام [iran-echo](http://iran-echo.org) (پژواک ایران) دایر کرده ایم که مسائل، مشکلات، مبارزه، زندگی و ... کارگران ایران را بازتاب می دهد. گاهنامه ای چاپی و اینترنتی نیز با نام [Echo d'Iran](http://Echo-d'Iran.org) به زبان فرانسه منتشر می کنیم که اخیراً شماره ی 23 آن انتشار یافته است. هم چنین دو کتاب درباره [جنبش کارگری](http://iran-echo.org) و [استبداد در ایران معاصر](http://iran-echo.org) به زبان فرانسه به چاپ رسیده است. کلیه این مطالب در سایت [Iran-echo](http://Iran-echo.org) نیز قابل مراجعه هستند.

در دهه های هشتاد و نود میلادی، نه تنها جنبش کارگری ایران در خارج و از جمله در فرانسه بکلی ناشناخته بود بلکه هیچ زمینه و علاقه ای هم برای توجه به آن دیده نمی شد. برخی فعالان سیاسی سال ها برای گرفتن قرار دیدار با سندیکاها به ویژه با CGT بمنظور انتقال اخبار کارگری ایران تلاش کردند ولی پشت در ماندند. با این حال، حامیان مستقل جنبش کارگری از پاننشستند و توانستند بتدریج با تهیه خبرنامه ها و بولتن ها و ملاقات های غیر رسمی با سندیکالیست ها، راه را باز کنند. دو عامل سبب شد تا سندیکاها این فعالان را جدی بگیرند و وارد رابطه رسمی شوند: یکی پیگیری این فعالان و دوم، اخبار و بولتن های دریافتی از سوی آن ها که سندیکا ها را متوجه وجود یک فضای مبارزاتی درخور توجه در ایران کرد.

"همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه" در همکاری و هماهنگی با اعضای "اتحاد بین الملل در حمایت از کارگران ایران" در پاریس، در ادامه ی برقراری رابطه و تامین حمایت تک تک سندیکاها، پس از بحث ها و گفتگوهای طولانی موافقت پنج سندیکای مهم را برای همکاری متحد و مشترک میان خودشان در رابطه با جنبش کارگری ایران جلب کرد و به این ترتیب چهارده سال پیش «کلکتیو سندیکایی فرانسوی برای ایران» ایجاد شد که کمیته ای است پایدار متشکل از سندیکاهای CGT (کنفدراسیون عمومی کار)، CFDT (کنفدراسیون فرانسوی عمومی کار)، FSU (فدراسیون سندیکایی واحد - سندیکای معلمان)، UNSA (اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل) و Solidaires (اتحاد سندیکایی همبسته). دیگر سندیکای مهم فرانسه (FO - نیروی کارگری) پیشنهاد ما را نپذیرفت. اولین اعلامیه کلکتیو فرانسوی در ماه مه ۲۰۱۰ منتشر شد

«کلکتیو سندیکایی ...»، در این سال ها، از طریق «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران» در جریان دائم و مستند اخبار جنبش کارگری ایران قرار داشته و با احساس مسئولیتی نادر فعالانه اقدام کرده و یار و پشتیبان وفاداری برای کارگران و زحمتکشان ایران بوده است. این کلکتیو بارها از ایجاد تشکل های مستقل کارگری در ایران حمایت کرده، همواره از زندانیان کارگر و معلم دفاع کرده، با ارسال نامه های اعتراضی به مقام های مسئول جمهوری اسلامی و برگزاری تظاهرات در پاریس، ژنو و شهرهای بزرگ فرانسه به سرکوب، دستگیری، شکنجه و زندان و نیز قتل کارگران و مزدبگیران (از جمله شاهرخ زمانی، ستار بهشتی، کارگران کرد و بلوچ، و ...) اعتراض کرده است. تازه ترین اقدام «کلکتیو»، نامه اعتراضی در 12 اسفند 1402 به خامنه ای در نگرانی از اوضاع وخیم سلامتی سه کارگر زندانی و درخواست آزادی کلیه زندانیان سیاسی است که این بار به امضای خود دبیران کل این اتحادیه ها ارسال شده است.

«کلکتیو» در چهارچوب وظائف سندیکائی و همبستگی بین المللی کارگران بارها با تهیه ویزا و تامین هزینه سفر و محل اسکان، تعدادی از فعالان سرشناس جنبش کارگری ایران از جمله [محمود صالحی](http://iran-echo.org)، علی نجاتی، [رضا شهابی](http://iran-echo.org)، [داوود رضوی](http://iran-echo.org)، [حسن سعیدی](http://iran-echo.org) و ... را برای سفر به فرانسه و گفتگو درباره مسائل جامعه کارگری و سندیکالیسم دعوت کرده است. «کلکتیو» برای این مدعوین، سمینارهای متعدد ترتیب

داده، تربیون برای سخن گفتن از دردها و مشکلات شان در اختیار آن ها گذاشته و سخنان آنان را در نشریات خود بازتاب داده اند. برخی از این مهمانان در کنگره های CGT، CFTD و SOLIDAIRES شرکت و سخنرانی کرده اند و با بازگویی مشکلات و مطالبات کارگران ایران با استقبال صدها عضو سندیکاهای فرانسه و نیز مهمانان عضو سندیکاهای بین المللی روبرو شده اند. در یکی از این کنگره ها، نمایندگان بیش از 140 سندیکای جهان از شیلی تا یونان و از ترکیه تا استرالیا اطلاعیه ای را در پشتیبانی از سندیکاها و اتحادیه های کارگری ایران امضا کرده و به سرکوب جنبش کارگری در جمهوری اسلامی شدیداً اعتراض کردند. علاوه بر برگزاری جلسات در فرانسه برای فعالان کارگران ایرانی دعوت شده به فرانسه، « همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران – فرانسه » نشست هایی برای آنان در شهرهای اروپایی از جمله فرانکفورت، هامبورگ، استکهلم، اسلو، با همکاری برخی از سندیکاهای کشورهای مربوطه برگزار کرده است.

باید یادآوری کنیم که "همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران – فرانسه" که اینک در شهرهای پاریس، گرونوبل و رن فعالیت دارد، توانسته است در بستر مبارزه و نیز همکاری با سندیکاهای فرانسه، با سندیکاهای دیگر کشورها نیز ارتباط برقرار کند. ما عضو یک شبکه بین المللی سندیکائی که دارای بیش از 140 عضو در میان سندیکاهای فعال است، بوده و مرتباً زندگی و مبارزه کارگران و مزدبگیران ایرانی را به چندین زبان در این شبکه منتشر می کنیم.

همچنین، با ابتکار عمل سندیکاهای فرانسه که برخی از آن ها عضو سازمان جهانی کار (OIT -ILO) هستند، برخی کارگران دعوت شده از ایران، توانستند در بیرون از اجلاس عمومی سالانه این سازمان و در حاشیه آن با برخی مقام های این سازمان دیدار و گفتگو کرده و دشواری ها، سرکوب ها و تضییقات وارد بر کارگران را در ایران اسلامی بازگو کنند. نمایندگان کلکتیو سندیکائی فرانسه هر بار مضمون تظاهرات اعتراضی ما را که حضور مأمورین امنیتی و منتخب رژیم ضدکارگر بعنوان نمایندگان کارگران ایران در اجلاس های سازمان جهانی کار و درخواست اخراج آن ها بوده، به داخل اجلاس عمومی منتقل و منعکس کرده اند.

در این سال ها هم زمان با فرانسه، در دیگر کشورها نیز تلاش هایی برای ایجاد کانون هایی جهت حمایت از کارگران ایران در جریان بوده و نهادهائی شکل گرفته اند. از دیگر تلاش های ما، ارتباط و گفتگو با این انجمن ها و تشکل های ایرانی پشتیبان جنبش کارگری برای تشکیل «نهادهای همبستگی با کارگران ایران» بود که سرانجام این نهاد، چهارده سال پیش با بیش از چهارده نهاد حامی کارگران ایران در چند کشور اروپا، استرالیا و کانادا و آمریکا ایجاد شد. این نهاد همبستگی فعالیت مستمر داشته و با برگزاری آکسیون در شهرهای مختلف جهان، با انتشار بولتن هایی به زبان های انگلیسی، فرانسه، آلمانی، سوئدی و از جنبش کارگری ایران دفاع کرده، ماهیت و عملکردهای ارتجاعی و سرکوب های وحشیانه جمهوری اسلامی را افشا کرده اند.

در هفده سال گذشته (از 18 ژوئن 2007)، هم زمان با برگزاری اجلاس های سالانه "سازمان جهانی کار"، با دعوت کلکتیو سندیکایی فرانسه و با تلاش ما و دیگر همراهان ایرانی مان از جمله "نهادهای همبستگی با کارگران ایران" در کشورهای اروپا، استرالیا، کانادا و آمریکا و دیگر تشکل های دفاع از مبارزات مردم ایران از آن جمله نهادهای چپ و دموکراتیک وانجمن های دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی، بارها در مقابل مقر سازمان ملل متحد در ژنو، به تظاهرات و همبستگی با مردم ایران پرداخته و با اعتراض به سرکوب های جمهوری اسلامی خواستار آزادی همه زندانیان سیاسی ایران شده ایم.

« همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران – فرانسه » با همکاری پشتیبانان جنبش کارگری ایران، برنامه های متعددی در این سال های طولانی در پاریس و شهرهای دیگر برگزار کرده است. در کنگره های حزب کمونیست فرانسه، حزب نوین ضدسرمایه داری فرانسه، سندیکاها، اردوهای تابستانی احزاب چپ، ... و نیز جشن های سالیانه روزنامه اومانیتیه شرکت و سخنرانی کرده است.

در این نوزده سال، مانع ها و امتناع های فراوانی نیز بر سر راه ما قرار داشت. پراکندگی اپوزیسیون خارج از کشور بر این مشکلات افزوده است. دشمنان جنبش کارگری ایران نیز بیکار ننشسته اند و ما فقط با رژیم ارتجاعی و دیکتاتوری جمهوری اسلامی روبرو نبودیم. در این راه می بایست دسیسه ها را نیز خنثی می کردیم.

لازم به ذکر است که همه سندیکاها و سازمان های بین المللی نیز به دعوت های ما جواب مثبت نداده اند. از میان آنان می توان به سندیکای DGB آلمان اشاره کرد که در طی سال ها، به مطالبات ما و دوستان ایرانی ما در آلمان پاسخ مثبت نداده اند ولی حالا گویا کشتیبان را سیاستی دگر آمده است و یکشنبه با چند تن با تکیه بر مالیه ی یک نهاد آلمانی از بالای سر کارگران و سندیکاهای مستقل در ایران و با دور زدن همه تشکل های باسابقه حمایت از کارگان ایران در خارج، " کنفدراسیون کار- خارج از کشور" برای ایران علم می کنند!

ما، همچون دیگر نهادهای همبستگی با کارگران ایران در خارج از کشور، در حد توانائی و امکانات تلاش کرده ایم و اگرچه حتما از این بهتر هم می شد کرد، اما دچار خودفریبی نبوده ایم که فکر کنیم قرار است کارگران را از ستم و استثمار رها کنیم، یا با اشاره ی ما کارگران زندانی آزاد شوند، یا حتا مثلا قادر باشیم جای گماشتگان رژیم در سازمان جهانی کار را با نمایندگان واقعی کارگران ایران عوض کنیم! هیچ تشکیلاتی با هر عرض و طول در خارج از کشور قادر به چنین معجزه هایی نیست. با این همه ما از کارنامه ی خود سرافکنده نیستیم. کافی است ببینیم از آن موقعیتی که سندیکائی حتی وقت ملاقات به ایرانی ها نمی داد، تا امروز که « کلکتیو سندیکای های فرانسه برای ایران» تشکیل شده و چهارده سال است پیگیرانه در این راستا کار و تلاش جانانه می کند چه راهی طی شده است! کافی است به این فکر کنیم که متقاعد کردن سندیکاهای فرانسوی به ایجاد یک کمیته ثابت همکاری (کلکتیو) در حالی که آن ها بخاطر اختلافات درونی شان حتی در اول ماه مه که روز همبستگی کارگری است جز در موارد استثنائی حاضر به راهپیمائی در خیابان در کنار هم نیستند، چه چیزی جز ممکن کردن یک ناممکن بوده است؟ تلاش های « همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه»، خود همین « کلکتیو سندیکاهای فرانسه برای ایران» و در مجموع، تلاش ها و زحمات بی دریغ و مستمر دیگر نهادهای حمایتی از کارگران ایران در کشورهای مختلف سبب شده است که جنبش کارگری ایران و رهبران طبیعی سرشناس و کارگران زندانی در ایران که تا چند سال پیش خبری از آن ها به گوش کسی نمی رسید، امروز از جمله شناخته ترین ها و مطرح ترین ها در سراسر جهان باشند؛ و ناگفته نباید گذاشت که همه این ها در اساس و در درجه اول مدیون و محصول مبارزات کارگری و فعالان کارگری در داخل ایران بوده است وگرنه ما چه می توانستیم به خارجی ها عرضه کنیم و چه چیزی می توانست آنان را به مساعدت و همکاری مشتاق کند؟

و البته بدیهی است که همین اعتبار و شناسایی و اهمیت جنبش کارگری و رهبران اش، مرتجعان و فرصت طلبان را نیز به فکر نفوذ در میان آن ها و جذب شان از طریق ایجاد تشکل های قلابی و دریافت پروژه های نان و آب دار از منابع امپریالیستی بیاندازد.

کارگران اگر چه بسیار آگاه اند، اما باید بمراتب بیشتر از همیشه هشیار باشند.

پاریس - 10 مارس 2024 - 20 اسفند 1402

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

ssiran@yahoo.fr

<http://www.iran-echo.com>

<https://www.facebook.com/hambastegui.socialistie>